

اول نادیده ات می گیرند، بعد مسخره ات می کنند، سپس با تو مبارزه می کنند، اما در نهایت پیروزی با توست. "ماهاتما گاندی"



نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم

iran.sabz88@yahoo.com

موسسین: خانه فیلم مخملباف - محسن سازگارا - نوشابه امیری - علیرضا توری زاده - هوشنگ اسدی - فرهنگسرای پویا

مدیر اجرایی: شهلا بهاردوست

روزنامه سبز

پیش شماره سیزدهم، بیست و پنجم تیرماه، هزار و سیصد و هشتاد و هشت

جمعه سبز: همه تهران پیش بسوی دانشگاه

موسوی، کروی و خانواده های ندا و سهراب هم هستند

جمعه ۲۵ تیر تهران سبز می شود. بیاد آن روزها که آیت اله طالقانی نماز جمعه تهران را می خواند، رندهای سبز از سراسر تهران روانه دانشگاه می شود.

مردم، زن و مرد، پیر و جوان در آرامش تمام بسوی روزی تاریخی می روند که نمازش را هاشمی رفسنجانی خواهد خواند. میرحسین موسوی رئیس جمهور منتخب مردم هم در میان صف های آنها حاضر خواهد شد.

بنا بر گزارش خیر نگاران "روزنامه سبز" از تهران خانواده های سهراب اعرابی، ندا آقا سلطان، مادران صلح و خانواده زندانیان هم در میان صفوف مردم خواهند بود.

مردم انتظار دارند، هاشمی رفسنجانی در این روز تاریخی در کنار جنبش قرار گیرد. انتظار مردم برآورده شود یا نه، جمعه روز مردم است. جمعه روز سبز است.

روزنامه سبز خبر های دقیقی از پیوند مردم، هنرمندان و ورزشکاران برای حضور در نماز جمعه دارند. خبرنگاران "روزنامه سبز" از تهران می نویسند:

— روزی غوغائی در راه است.

روزی که مردم ایران بار دیگر بلوغ و مدنیت خود را به جهان نشان خواهند داد. روزی که دنیا خواهد دید جنبش مدنی ایران زنده است. روزی که هزاران ندا و سهراب به خیابان خواهند آمد تا از "بهترین طریق وصول به آزادی های به ناحق مسلوب شده" خود را بدست بیاورند.

میرحسین موسوی: همراه شما هستیم

مهندس میرحسین موسوی در پاسخ به دعوت مردم در خصوص شرکت وی در نماز جمعه این هفته تهران بیانیه ای صادر کرد:

به نام خدا و با تقدیم سلام متقابل از آنجاکه اکیداً پاسخ به دعوت همدلان و همراهان در راه صیانت از حقوق مشروع زندگی آزاد و شرافتمندانه را بر خود واجب می دانم، روز جمعه مورخ 26/04/88 در میان صف های شما حاضر خواهم شد. تمسک به حبْلُ المَئینِ ایمان و قرار گرفتن در حصن امن الهی که این دعوت شما متضمن آن است بهترین طریق وصول به آزادی های به ناحق مسلوب شده از ماست.

با تقدیم احترام

برادر شما میرحسین موسوی 88/04/24

۱۰ توصیه مهم برای جمعه سبز

1. سعی کنید هر چه زودتر و حداقل قبل از ساعت 11 خودتان را به محل برسانید تا در صحن اصلی نماز جمعه جای مناسبی پیدا کنید.
2. پوشش سبز اعم از مانتو، پیراهن، روسری، سجاده، سربند و دستبند را حتی الامکان به همراه داشته باشید. از اجسام سبزرنگی که ممکن است برای ورودتان مشکل آفرین باشد (مثل پرچم) خودداری کنید. حمل پلاکاردهایی که بر آن تصاویری از موسوی خاتمی و کربوبی و شهدا و مجروحان حوادث اخیر ثبت شده باشد هم توصیه می شود. اما این تصاویر را از بدو ورود به دست نداشته باشید، بلکه بعد از عبور از درهای ورودی و شروع شدن خطبه از آنها استفاده کنید
3. از آنجایی که امکانات صوتی ستاد نماز جمعه تهران برای پوشش صوتی محوطه اصلی نماز جمعه در دانشگاه تهران و خیابانهای اطراف، تنها تا حوالی بلوار کشاورز کفایت می کند، و با توجه به اعلام آمادگی گروه های کثیری از اقشار مختلف مردم مسلمان تهران برای شرکت در این مراسم، احتمال گسترده گری صفوف نمازگزاران تا خیابانهای دورتر از بلوار کشاورز به وجود آمده است که لزوم اندیشیدن تدابیر لازم برای رساندن صدای خطبه ها و نماز به خیل عظیم نمازگزاران این هفته تهران را ضروری می نماید. بر این اساس پیشنهاد می شود برای رفع نگرانی های موجود، مردم دین دار و آگاه شرکت کننده در نماز جمعه این هفته برای استماع نماز جمعه، گیرنده های کوچک رادیو با قابلیت دریافت امواج FM به همراه داشته باشید.

4. پوشش‌تان به گونه‌ای باشد که نتوانند از ورود شما به داخل محوطه ممانعت کنند. خانم‌ها یک چادر نماز به همراه داشته باشند. ورود بدون چادر به محوطه دانشگاه تهران در روز برگزاری نماز جمعه، هم ممنوع است و هم نداشتن آن، باعث برانگیختن سو ظن کنترلچی‌ها خواهد شد
5. به داغ بودن زمین‌ها در اثر آفتاب، حتما زیرانداز/جانماز مناسب داشته باشید.
6. برای حفظ چالاک‌ی خود، از آوردن هر گونه وسیله‌ای مانند موبایل، کیف، زیرانداز، کتاب، و .. خودداری کنید. (البته برای نماز خواندن در خیابان‌های اطراف، به سجاده نیاز خواهید داشت) به صورت معمول تمام وسایل غیر عادی همراه نمازگزاران باید به "محل دریافت امانات" سپرده شود. در انتهای نماز تا شما وسایل یا موبایل‌تان را از صف‌های شلوغ تحویل امانات پس بگیرید، نیم ساعت یا یک ساعت معطل می‌شوید. زمان و عکس العمل سریع بسیار مهم است. .
7. بازرسی بدنی معمولاً شدید است. بازرسی‌های نماز جمعه، جیب‌ها، زیر بغل و دور کمرتان را می‌کاوند. از این رو بهتر است شک آنها را برنینا گیزید.
8. برای تأیید آن بخش از سخنان که مورد قبول ماست، فقط و فقط 3 مرتبه الله اکبر بگوییم، هیچ نیازی به بیان شعار دیگری هم نیست. همین که تفاوت حجم صدا بین سه «الله اکبر» و بقی شعارهای کذایی و «مرگ بر ...» معلوم باشد، برای ابراز وجود سبزه‌ها کافی است.
9. یادمان باشد که شعارها نباید تند و تحریک آمیز باشد. بهترین پیشنهاد این است که شعارها در بخشی از «هاشمی، هاشمی، حمایت می‌کنیم» آغاز شود و به تدریج به «موسوی، موسوی، حمایت می‌کنیم» تبدیل شود. پیشنهاد دیگری که مطرح شده، شعار «خمینی کجایی، موسوی تنها شده» است که این شعار را هم می‌توان با هاشمی شروع کرد و با موسوی ادامه داد.
10. ورود و خروج آقایان به داخل دانشگاه تهران، از سه در: "درب شمالی در خیابان پورسینا، دانشکده پزشکی"، "درب شرقی در خیابان قدس- طالقانی" و "درب جنوبی در خیابان انقلاب" انجام می‌پذیرد. خانمها نیز از دربهای واقع در خیابان 16 آذر وارد می‌شوند. نماز هم حدود ساعت 2 بعد از ظهر تمام می‌شود. راهپیمایی آرام بعد از نماز جمعه به سمت آزادی یا هر جای دیگر می‌تواند بسیار معنی دار باشد. مسیرهای دانشگاه تهران به سمت: میدان انقلاب و تقاطع جمالزاده (از درهای جنوبی دانشگاه تهران)، میدان فلسطین (از درب شرقی دانشگاه تهران) و چهارراه ولیعصر (در خیابان انقلاب) مسیرهای جاافتاده‌ی راه پیمایی‌های بعد از نماز جمعه هستند که این بار می‌توانند شاهد حضور گسترده‌ی سبزه‌ها باشند. توجه داشته باشیم که اهمیت این نماز جمعه بیشتر از نماز جمعه 29 خرداد است. شهروندانی هم که به هر دلیل به نماز نمی‌آیند خود را به تجمعات انتهایی نماز در اطراف دانشگاه تهران (حدود ساعت 2 بعد از ظهر) برسانند.

متحد کودتا یا همراه جنبش سبز

نوشابه امیری

آقای هاشمی رفسنجانی تا چند ساعت دیگر، سرنوشت سیاسی و متحدان خویش را تعیین می کند: ایستادن کنار "نظام"، یا همراهی با جنبش سبز. انتخابی که قاعدتا تا این ساعت روز، انجام شده است؛ ما اما، به عنوان آنان که دل درگرو میهن دارند، حرف خویش می زنیم؛ شاید شنوده شود.

آقای رفسنجانی!

من برعکس همکار عزیزم ابراهیم نبوی، با شما آشنایی نزدیک ندارم؛ از جمع خانواده شما، تنها فائزه هاشمی را می شناسم که همواره شجاعت و حضور سبزش را تحسین کرده ام. اما نمی دانم خانواده شما فساد مالی دارد یا نه [از کجا بدانم؟ در کشوری که گردش آزاد اطلاعات وجود ندارد، داشتن چنین اطلاعاتی برای شهروندان عادی عملاً ناممکن است]. من نمی دانم شما در جریان جنگ چه نقشی ایفا کردید [شما یک چیز می گوئید، سردار رضایی یک چیز]. من نمی دانم بر اساس چه محاسباتی پشت انتخاب آیت الله خامنه ای به عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایستادید. من نمی دانم در پرونده قتل های زنجیره ای شما یکی از عالیجنابان بودید یا نه؛ من نمی دانم در ماجراهای دعوی قدرت در آغاز انقلاب، نقش شما چه بود، من....

من عملاً به عنوان یک شهروند آنچه درباره شما می دانم یا متکی بر خبرهای رسمی روزنامه ای و کتاب خاطرات تان است [که در آن هیچ نگفته اید] یا شایعات. هر چند باید بگویم اینک بعد از سی سال به این نتیجه رسیده ام که "اتاق فکر" کودتا چنان از همان آغاز تا امروز، طرح ترور شخصیت ها را اجرا کرده و می کند و بیشتر هم در قالب شایعه و لطیفه. همه به یاد داریم تا زمانی که آیت الله منتظری، قرار بود جانشین آیت الله خمینی شود، روزی نبود که درباره او شایعه و لطیفه ای نسازند. موضوع جانشینی را که منتفی کردند، لطیفه ها و شایعات هم خوابید. در عوض در همه این سال ها، به ندرت لطیفه ای یا شایعه ای درباره آقای خامنه ای شنیده ایم. عجیب نیست؟

اما بحث امروز من این نیست؛ بحث امروز این است که در این نقطه تاریخی، در این مرحله که "ندا"ی "سهراب" های ما، از گوش عرش نیز گذشته، شما به بهانه "حفظ نظام" - نظامی که آیت الله منتظری به صراحت آن را در چنین شرایطی غیرقابل دفاع می داند - کنار کودتا چنان خواهید ایستاد و به نسخه مقابل امیرکبیر بدل خواهید شد یا کنار جنبش سبز می ایستید و به صراحت می گوئید: این دستان تا مرفق خونین، گرفتنی نیستند، پس زدن اند. همه بحث این است که در این برهه حساس، تصمیم تاریخی امیرکبیر رابه یاد خواهید آورد که گویا الگوی شما در سیاست است - کتابی هم در ستایش او نوشته اید - یادر کنار "شاه" خواهید ایستاد.

آقای رفسنجانی!

یا امروز کنار مادر سهراب و یعقوب و ندا و... می ایستید به دادخواهی، یا کنار قاتلان آنان به خیال قدرت. فاصله این دو، یک لحظه است، یک کلمه، یک جمله، اما حاصلش، دو راه. دو راهی که دیگر نمی توانند به هم برسند. قاتل و خانواده مقتول، تنها در دادگاه می توانند کنار هم قرار گیرند و بس.

آقای رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام!

امروز وقت انتخاب است؛ حتی "مصلحت نظام" هم به این انتخاب وابسته است. امروز در لحظه این انتخاب، یا وعده های پس برده کودتا چپان راجدی می گیرید، یا متاع نقد ملت می سرفراز را بر دیده می نهید و نام و فردای خویش نجات می دهید.

آقای رئیس مجلس خبرگان!

امروز یا حکومتی را که به نام دین شما، قلب فرزندان ایران زمین را نشانه گرفته، انتخاب می کنید یادین تان را که به صراحت جانبداری از "قهاران و جباران" را منع کرده و ترسانده است مومنان را از "خون های به ناحق ریخته شده، که در پیشگاه خداوند گناهی بزرگتر از آن نیست." "

آقای رفسنجانی!

فاصله لب تا دهان این همه نیست؛ با گفتن یک کلام، می مانید یا می روید. انتخاب، طبعاً باشماست؛ اما یادتان باشد که توافق های امروزی با کودتاچیان، دوامش به اندازه یک لحظه فرصت نفس کشیدن برای آنانست. آقایان، مستقر که شون، نیازشان که دیگر به شما نباشد - همان گونه که در اولین راهپیمایی اعتراضی نشان دادند - با "فائزه" تان همان خواهند کرد که با زهراها؛ زهرا کاظمی، زهرا بنی یعقوب... قلب سیاه و مغز بیمار کودتاچی از یاد نخواهد برد که فائزه گفته است: مطمئن هستم که اگر در اثر خطای ما این دولت پیروز شود، امر بر این آقا مشتبه می شود که خود را امام زمان بنامد و خطاهای گذشته را با قدرت بیشتر ادامه دهد؛ چرا که می گوید مردم با من و برنامه هایم موافق بودند و روش من درست بوده است.

آنها فراموش نمی کنند که فائزه گفته است: در شرایطی به سر می بریم که نکبت، خفت و خواری نصیب ملت ایران شده است. آقای رفسنجانی!

یادتان باشد خودتان به آقای خامنه ای نوشتید فقط شما دو نفر مانده اید. پس شک نکنید که هدف بعدی کودتاچیان، تنها افراد باقیمانده خواهد بود.

و سخن آخر: اگر امروز ایستادن در کنار کودتاچیان را انتخاب کنید، فردایی نخواهد بود که بگویید برای "مصلحت" دین یا ملت، به دین و ملت، پشت کردم. "مصلحت" همین دیشب در خانه عز اگرفته سهراب اعرابی، تکلیفش روشن شد.

آقای هاشمی! جمعه روز مبادای شماست!

آبراهیم نبوی

جناب آقای هاشمی!

گفته شده است که قرار است این هفته نماز جمعه تهران را شما اقامه کنید و پس از چهار هفته سکوت که نمی دانیم چه مصلحتی در پس آن نهفته بوده، دوباره در نماز جمعه تهران حاضر شوید. به همین دلیل ضرورت می دانم مواردی را که به هر دلیل ممکن است لازم به یادآوری باشد، برایتان بگویم تا اگر ذره ای هم اثر داشته باشد، کار خود را کرده باشم. اشاره می کنم که روزی با فرزندان مهدی نشسته بودم و درباره شما حرف می زدم. گفت روزی به اتاق کار شما آمده و دیده است که دارید طنزهایی که من علیه تان نوشته ام می خوانید. نقل می کرد که گفته بودید "وقتی اینها منتشر شد عصبانی"

شدم، ولی حالا که می خوانم می خندم، بامزه است!" مهدی می گفت تا آن زمان، هفت سال قبل 107 طنز علیه شما از من گردآوری کرده بودند. کم و زیادش مراد نیست، آنچه مراد است اینکه آنها را نه برای این نوشته بودم که عصبانی شوید و نه اینکه بخندید، نوشته بودم که مردم بخندند و شما بیشتر به کارهایتان فکر کنید. حالا هم غرض همین است، به کاری که می‌خواهید بکنید بیشتر و بیشتر فکر کنید.

آقای هاشمی رفسنجانی!

طنز نوشتن علیه شما کار ساده ای است و دفاع از شما کاری سخت، من این هر دو را کرده ام و هر دو را نیز به یک قصد، اینکه کمک کنم تا شما به عنوان یکی از مهم ترین استوانه های سیاست ایران به مسیر درست تری بروید. گفتنش دشوار است اما من جزو مدافعان سرسخت شما هستم. علت هم این است که معتقدم سیاستمدار با کیاست جواهری است گرانبها که ما کم داریم، اگر هم داریم در این مانداب و مرداب سیاست کنونی چنانش به لجن کشیده اند که باید هر بار پاکیزه اش کرد و به مردم نشان داد، اگر مردمان باور کنند.

آقای هاشمی رفسنجانی!

هر آدمی آبرو و حیثیت و منزلت و اعتبارش را برای " روز مبادا" یش ذخیره کرده است. در سن هفتاد و پنج سالگی هستید و با هر حساب که بکنید روز مبادای شما چندان از امروز دور نیست، جمعه شاید روز مبادای شما باشد. شاید همین جمعه روزی باشد که باید ذخیره آبرو و سیاست و کیاست تان را خرج کنید. شاید همین جمعه روزی باشد که لازم بشود که شما چنان با درایت سخن بگوئید که سبزه‌پوشانی که در صورت حضور میرحسین موسوی رئیس جمهور ایران به نماز جمعه می آیند شما را "تشویق کنند و به همان که قبلا گفته اید فخر کنید که " افتخار من این است که بیست سال منتخب مردم بوده ام

آقای هاشمی! شما باید در نماز جمعه از تقلب بزرگ و حق کشی ناجوانمردانه ای که باعث مرگ قریب صد جوان بیگناه و حبس بیش از 1500 تن از بهترین فرزندان این مملکت شد، بگوئید و اعلام کنید که این انتخابات باید تجدید شود. شما باید بگوئید که احمدی نژاد رئیس جمهور ایران نیست و هر روز ماندنش بر سریر قدرت موجب آبروریزی حکومت، بی حیثیتی بیشتر دولت در جهان، بی احترامی به مردم و ریخته شدن خون مردمان پاک توسط ارادل و اوباش حامی احمدی نژاد می شود.

آقای هاشمی رفسنجانی!

ما در بیرون ایران برای تان آبرو گذاشته ایم، من شخصا آشنای فائزه و مهدی و محسن و محمد برادران هستم و سالها با آنان کار کرده ام و جز آزاد اندیشی و ایران دوستی و مدیریت قوی و تفکر پیشرو در فرزندانان چیزی ندیده ام. همان فائزه ای که سالها مخالفان شما با بدترین الفاظ خطابش کرده اند، در حالی که یکی از بزرگترین و داناترین و خدمتگذارترین زنان ایران بود. من می دانم که فائزه سالهای سال درس خوانده و در سختی زندگی کرده و هر ماه در روزنامه زن که ما در آنجا با هم همکار بودیم، برای حفظ روزنامه ای حامی حقوق زنان، از هر قشر و گروهی که بودند، از این و آن پول قرض می کرد تا بتواند از آزادی و دموکراسی دفاع کند و در بزرگی او همان بس که مردم تهران او را به عنوان نماینده دوم خود به مجلس فرستادند و در مجلس تنها زنی بود که از همه زنان دفاع می کرد و نه فقط زنان مسلمان. همان مهدی که سالها به او گفتند دزد است و رشوه گرفته است و من می دانم که او تلاش می کرد تا در کار خودش در سازمان بهینه سازی همه تلاشش را برای استقلال و پیشرفت ایران می کرد و عشقش این بود که آثار شما را منتشر کند. همان محسن که می گفتند که به اعتبار شخص شما و با رانت خواری به جایی رسیده است، در حالی که من در بلژیک فهمیدم در تمام مدتی که محسن در این کشور زندگی می کرد، بسیار معدود کسان می دانستند که این جوان فرزند شخص دوم یا سوم کشور است و از وقتی به ایران برگشت یا به فکر توسعه تکنولوژیک ایران بود یا به فکر پیشبرد افکار شما.

اگر چه در ماجرای منازعات میان اصلاح طلبان و کارگزاران در زمستان 1378 حامیان اصلاح طلبان (از جمله من و اکبر گنجی) رو در روی شما قرار گرفتیم، اما آن کسانی که به شما می گوید غارتگر بیت المال و دولت شما را ام الفساد می داند محافظه کاران و بخصوص تندورهای طرفدار احمدی نژادند، آن کسی که محسن و مهدی و یاسر را دزد و رشوه گیر خواند ما نبودیم، بلکه همان محافظه کارانی بودند که با حذف شما و بدنام کردن شما سودای انحصار قدرت را داشتند. آن کسی که فائزه را به بدترین لحن خطاب کردند ما نبودیم، بلکه محافظه کارانی بودند که خود را به هر قیمتی می فروختند. آن کسی که شما را عامل نفوذ آمریکا و غرب به ایران خواند، ما نبودیم، بلکه محافظه کارانی بودند که حالا تغارشان شکسته است و ماست شان ریخته است؛ نه آبرویی نزد ملت برای شان مانده نه دولت شان نزد روحانیون و مراجع مشروعیت و نه در جهان مقبولیت دارند. حق نیست و برای شما پسندیده نیست که اگر سودای دفاع از دولت غاصب و حکومت جائز دارید فراموش کنید که همین دولت و همین حکومت خواستار مرگ شما و دستگیری شما و بی آبرویی خاندان شما شد. اگر پنجاه سال قبل امیرکبیر را ملاک حکومتداری تان قرار دادید، حالا پسندیده نیست، در موضع وثوق الدوله و سید ضیاء طباطبایی بنشینید.

آقای هاشمی رفسنجانی

آن که سبو بشکست و پیمان ریخت، ما نبودیم. حامیان موسوی و کروبی و خاتمی جز حق خود چیزی نخواستند، آنها نه اغتشاشگرند و نه خواستار شورش اند، آنان براساس قانون در انتخاباتی قانونی شرکت کردند و به شهادت همه اسناد و مدارک، و بخصوص اسناد رسمی وزارت کشور، حق ملت و دولت مردم دزدیده شده است. یا حرف نزنید یا اگر می آئید تا میانداری کنید، بدانید که باید دولت موسوی را به رسمیت بشناسید. اگر بنا باشد که بیائید و بخواهید شکافی را که رهبری کشور با شمشیر خشم خود در حکومت انداخت و با انتخاب احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور، حق ملت را انکار کرد و عدالت خود را زیر سوال برد، بپوشانید، بدانید که ما هرگز شما را نمی بخشیم و خود نیز نمی توانید دیگر در میان این مردم زندگی کنید ما اصلاح را می خواستیم، ما رنگ سبز را در عرض یک ماه به عنوان نشانه یک گروه از عدالت خواهان و آزادیخواهان برگزیدیم و به نشانه ای جهانی از معترضین ایرانی بدل کردیم، طرفه آنکه در قرعه کشی وزارت کشور نیز رنگ سبز به نام میرحسین موسوی افتاد، حالا می گویند انقلاب رنگی کرده اید. ما اصلاح می خواستیم و آن را از طریق انتخاباتی سالم و بی طرف می خواستیم. اما وقتی مسوول برگزاری انتخابات، وزیر کشور، مسوول سابق ستاد انتخاباتی رئیس جمهور است، شش عضو شورای نگهبان که باید بی طرف باشند، همگی طرفدار یک نامزد هستند، و رهبری قبل از انتخابات از رئیس جمهور طرفداری کرده و بعد از انتخابات و پیش از تائید سلامت انتخابات توسط شورای نگهبان ریاست جمهوری احمدی نژاد را تیریک گفته است، ما باید چه می کردیم، آنکه مردمان را عصبانی کرد و به خیابان کشاند، سخنان شخص رهبری بود، او با جانبداری ناحق خود از نامزد مورد علاقه اش و تهدید دیگران به سرکوب ملت، جایی برای اصلاح باقی نگذاشت. محمود احمدی نژاد نیز با خس و خاشاک خواندن بیش از بیست میلیون طرفدار موسوی، بر حسب همه نظرسنجی ها و آمارهای واقعی، مردمان را چنان عصبانی کرد که حالا دیگر آن سبو بشکست و آن پیمان ریخت. نه کسی بر سر اصلاح حکومتی که خود اولین دشمن اصلاحات است، اصرار می کند و نه حکومت اصلاح را تاب می آورد.

ما مطمئنیم که حتی اگر خبرهای تلویزیونی را نشنیده باشید، در این یک ماه از پشت بام خانه ها فریاد " الله اکبر " و " مرگ بر دیکتاتور " و " یا حسین میر حسین " را شنیده اید. ثقل سامعه درد بد دیکتاتورها در روزهای فریاد زدن ملت هاست. من مطمئنم شما صدای انقلاب مردم ایران را شنیده اید، و مطمئنم که شما می دانید که انقلاب ها را نه رهبران رسمی انقلاب ها مانند آیت الله خمینی، بلکه روسای حکومت، مانند شاه می کنند. محمدرضا پهلوی مشکلش این بود که صدای انقلاب ایران را زمانی شنید که دو میلیون نفر مرگ بر شاه را فریاد می زدند، اگر قرار است این حکومت فریاد مرگ بر دیکتاتور دو میلیون نفر را که شب ها صدایشان گوش خدا را هم کر کرده نشنود، چگونه می تواند حکومتداری کند؟ شاه وقتی قول برگزاری انتخابات آزاد را می داد که دیگر مردم به کمتر از تغییر حکومت رضایت نمی دادند. یادتان نرود که تمام الدرهم و بلدرم حکومت شاه آخر مرداد 57 آغاز شد و اول مهر 57 تمام شد، به همین سرعت

آقای هاشمی رفسنجانی!

روز جمعه روز میدای شماسست، شنیده ایم که قرار است میرحسین موسوی به نماز بیاید، اگر او بیاید سبزه ها هم خواهند آمد و نماز جمعه محل دیدار سیاسی مردم شهر خواهد شد و آنگاه معلوم می شود حرف مردم چیست و تا چه حد مردم از این وضع ناراضی اند. آقای رفسنجانی! مردمی که امروز در خیابان اند، مردمی نیستند که تا شش ماه قبل می دیدیم، آنان که سی سال با هم قهر بودند و به حکومت ریاکارانه احترام می گذاشتند، با حکومت قهر کرده اند و با همدیگر با مهر و نیکی رفتار می کنند بزرگترین دستاورد مردم ایران در جنبش سبز ایجاد وحدت و یگانگی میان مردمان بود. چادری و بی حجاب، جبهه رفته و کراواتی، مدرن و سنتی، طرفدار کربوبی و موسوی، و حتی اکثر کسانی که بخاطر مخالفت با شخص شما به احمدی نژاد رأی دادند، چنان با هم مهربان شده اند که هیچ دولتی نمی تواند و نمی توانست چنین وحدتی میان آنان بوجود بیاورد

آقای هاشمی رفسنجانی!

این گفته را از یک دوست بشنوید، آقای خامنه ای با سخنرانی خود در اولین نماز جمعه پس از انتخابات اعلام کرد که احمدی نژاد را بر سایر نامزدها ترجیح می دهد، دلایل فراوان است و بسیار که انتخابات بر اساس این تمایل رهبری و توسط مشتی کلاهبردار و شرکای نظامی شان برگزار شده است. همان هایی که چهار سال است شما را رهبر مافیا می نامند و به جای اینکه شما را بگیرند، فقط از شما برای بدنام کردن موسوی و دیگران استفاده می کنند. ده سال قبل برایتان لطفه ای ساخته بودم که « کسی که مصلحت خودش را تشخیص نمی دهد، چگونه می تواند مصلحت یک نظام را تشخیص بدهد؟ » به شخصیت خودتان، طرفداران تان، آن ده میلیون نفری که در انتخابات قبل به شما رأی دادند، به ما که بارها از شما حمایت کردیم، به فائزه ای که بدترین اهانت ها را شنید فقط بخاطر اینکه از شادابی و حق زنان دفاع کرده بود، به خانواده محترم تان به همسر شجاع تان که توی دهن احمدی نژاد زد، احترام بگذارید و خودتان را برای یک مشت زورگویی چماقدار و مخالف ایران و ایرانی خراب نکنید. شما اینقدر وقت ندارید که ده سال یا بیست سال بعد بتوانید اشتباه تان را اصلاح کنید. من به شخصه قول می دهم اگر به نماز جمعه بروید و کوچکترین حرفی علیه جنبش سبز بزنید، یا از آیت الله خامنه ای دفاع کنید، یا از سلامت انتخابات دفاع کنید، تا پایان عمرم علیه تان هجو و هزل و طنز خواهم نوشت و از حق خودم و مردم نخواهم گذشت ما منتظر هستیم که بیایید و کار درست را بکنید، وگرنه خودتان را عاقبت به شر نکنید. یا به نماز جمعه نیایید، یا اگر می آید

به حقوق ملت تمام و کمال احترام بگذارید

با احترام و درود بسیار

ابراهیم نبوی

نترسید ، نترسید ما همه با هم هستیم
ما همگی ندائیم با سهراب هم صدائیم